

شاخصه‌های الگوی شخصیت «عبادالله» از منظر قرآن کریم و روایات

چکیده: قرآن کریم با برخورداری از ویژگی جهانی بودن، جامعیت و جاودانگی، از شخصیت و ابعاد وجودی انسان تصویر دقیق و منطقی را ارائه کرده است. خداوند در قرآن کریم شخصیت انسان را ناشی از رفتار وی می‌داند «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكَلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا» (الإسراء، ۸۴). انسان، علاوه بر فطرت خداجویی با داشتن قلب سلیم، تعقل و خرد می‌تواند به هدف خلقت یعنی مقام عبودیت نائل آید. عباد صالح خداوند، با تهذیب نفس راه بندگی را پیموده و با بهره‌مندی از علم الهی و مصونیت از خطا و گناه، مسئولیت هدایت جامعه را نیز به عهده گرفته‌اند. قرآن کریم شخصیت «عبادالله» را با شاخصه‌هایی از جمله: اخلاص، شکرگزاری، مصونیت از اغوای شیطان و ... توصیف نموده است.

پژوهش حاضر با روش کتاب‌خانه‌ای به صورت توصیفی و تحلیلی، استفاده از کتب، مقالات و بانک‌های اطلاعاتی موجود، شخصیت عبادالله را از منظر آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار داده است. از نتایج دست‌یابی به شاخصه‌های فردی و اجتماعی «عبادالله» می‌توان به شناخت حضور ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر حاضر اشاره نمود. بنابراین آگاهی و تلاش برای کسب آمادگی لازم برای ظهور مصلح و منجی بشریت و تشکیل حیات طیبه، ضروری و از بالاترین عبادات شمرده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: الگوی شخصیت، عبادالله، قرآن کریم.

دکتر محمدرضا جواهری

(نویسنده‌ی مسئول)

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی

واحد شهری،

Javaheri@ferdowsi.

um.ac.ir

اعظم عرفانیان

دانشجوی کارشناسی ارشد،

دانشکده تربیت مدرس قرآن

مشهد،

A.Erfani07@gmail.com

تاریخچه‌ی مقاله

دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲

پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۱۳

۱. مقدمه

ملاک‌های شخصیت انسان در قرآن کریم با توجه به آگاهی و شناخت ابعاد وجودی انسان مطرح شده است. تفاوت‌های فردی با وجود داشتن قدرت انتخاب و اختیار، برخورداری از عقل و وجدان، بهره‌مندی از فطرت خداجویی، باور به نگرش اعتقادی با خدا زیستن و بازگشت به سوی او به وجود آمده و تلاش برای تکامل فردی و اجتماعی وی شکل می‌گیرد.

در بررسی شناخت عبادالله، رابطه‌ی انسان با خدا مورد توجه قرار می‌گیرد؛ رابطه‌ی تکوینی و تشریحی. «رابطه‌ی تکوینی میان انسان و خدا، رابطه‌ی فراگیر و گسترده‌ای است که برخواسته از موقعیت و نسبت وجودی میان آفریدگار، صاحب اختیار، رب و مالک حقیقی خدا و انسان است. در رابطه‌ی تکوینی، آدمیان اعم از مؤمن و کافر مشترکند. بر اساس این رابطه خداوند سبحان، است و انسان موجودی آفریده، بنده و نیازمند مطلق به خدا است. مراد از رابطه تشریحی، انسان موجودی فعال و با اراده و اختیار است و خود شیوه‌ی تعامل با خدا را برمی‌گزیند. رابطه‌ی تشریحی مطلوب میان خدا و انسان از منظر نصوص دینی عبارت است از عبادت و پرستش خداوند توسط انسان، در رابطه‌ی مطلوب، خدا معبود و انسان (عبادالله) پرستشگر است.» (برنجکار، ۱۳۹۳، ص ۱۹۳)

استاد مطهری انسان را در مکتب پیامبران چنین معرفی می‌کند: «انسان در مکتب پیامبران که قرآن کامل‌ترین بیان آن است با انسانی که بشر از راه علوم می‌شناسد بسی متفاوت است یعنی این انسان بسی گسترده‌تر است. انسانی که بشر از راه علوم می‌شناسد در میان دو پرنانتز (تولد و مرگ) قرار دارد و قبل و بعد از این پرنانتز را تاریکی فرا گرفته است و از نظر علوم بشری مجهول است ... اما انسان قرآن باید بداند از کجا آمده؟ به کجا می‌رود؟ در کجا هست؟ چگونه باید باشد؟ چه باید بکند؟» (مطهری، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۰۲).

قرآن کریم با معرفی انسان مخلص (عبادالله) الگوی شخصیت کامل عبودیت و بندگی را ارائه نموده است: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ» (الممتحنه، ۴) یعنی: برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت.

مصادیق و شاخصه‌های شخصیت «عبادالله» که همان پیامبران و اولیای الهی هستند با فطرت خداجویی و عروج به سوی حق کامل می‌شوند، سپس به هدایت خلق خدا همت می‌گمارند. پیامبران و امامان بزرگوار تلاش می‌کنند فطرت انسان‌ها را بیدار کنند و مقام والای انسان را به وی متذکر شوند، برای هدایت انسان خود را به رنج و زحمت می‌اندازند «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (الکهف، ۶). یعنی: گویی می‌خواهی به خاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند. شناخت شاخصه‌های عبادالله به انسان کمک می‌کند تا با الگو قراردادن آنان، راه رستگاری و سعادت را بیابد.

۲. معرفی شخصیت انسان در قرآن کریم

قرآن کریم، زیباترین مخلوق خداوند را، انسان معرفی نموده است ﴿ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ (المؤمنون، ۱۴) یعنی: سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است؛ و همه‌ی ابزارهای پیشرفت وی را برای رسیدن به هدف متعالی در اختیارش قرار داده است ﴿ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾ (السجده، ۹) یعنی: سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید؛ و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد؛ اما کم‌تر شکر نعمت‌های او را بجا می‌آورید.

خداوند دو راهنما، عقل و وحی را در اختیار انسان قرار داد. در روایات از ارزش و فضیلت عقل بسیار سخن گفته شده است. اولین چیزی که خداوند آفرید، عقل بود. پیامبران الهی از عاقل‌ترین مردم هستند. خداوند در سوره‌ی الأحزاب، به طور غیر مستقیم انسان را وادار به تفکر و تعقل می‌کند ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ (الأحزاب، ۷۲) یعنی: ما امانت (تعهد، تکلیف، و ولایت الهیه) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند؛ اما انسان آن را بر دوش کشید؛ او بسیار ظالم و جاهل بود، چون قدر این مقام عظیم را شناخت و به خود ستم کرد.

باید توجه داشت عقل مفید و لازم است اما کافی نیست، زیرا محدودیت‌هایی دارد و خطاپذیر است. علم حاصل از آن نیز علاوه بر محدودیت و خطاپذیری،

جزئی نگر نیز هست. در مقابل آن وحی می‌تواند راه کارهای دقیق و جامعی ارائه کند. زیرا خداوند شناخت کامل از ابعاد وجودی انسان، شامل بعد جسمانی و روحانی وی داشته و هم‌چنین برای نائل شدن به سعادت، او را هدایت نموده است.

۳. واژه‌شناسی عبادالله

واژه‌ی عبد در مفردات راغب به معنای عابد آمده بلکه عبد بلیغ‌تر از عابد است و اشاره شده به اینکه نه تنها همه‌ی مردم بلکه همه‌ی اشیاء عبادالله هستند لکن بعضی با جبر و اکراه و بعضی با انتخاب و اختیار.

راغب در مفردات دو نوع عبودیت را نام می‌برد: نوع اول: عبودیت تکوینی ﴿وَهُوَ الْفَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ﴾ (الأنعام، ۶۱) عبد به معنای تکوین.

نوع دوم: عبودیت اختیاری، عبودیت برای صاحبان عقل است. ﴿لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ﴾ (الکافرون، ۲) هم‌چنین مردم را در عبودیت اختیاری دو نوع می‌داند؛ گروهی با اخلاص عبد خداوند هستند ﴿وَإِذْ كَرَّ عِبْدَنَا أَيُّوبُ﴾ (ص، ۳۹) و گروهی بنده‌ی دنیا بوده به آن روی آورده و در خدمتش می‌باشند.

جمع عبد به معنای برده، عبید است، در قرآن کریم لفظ عبید بیشتر درباره‌ی کفار و مغروران به دنیا و سرمایه‌های دنیایی اطلاق شده است که در حقیقت بردگان واقعی آنهایند ﴿مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ﴾ (ق، ۲۹) یعنی: سخن من تغییر ناپذیر است، و من هرگز به بندگان ستم نخواهم کرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۱، ص ۵۴۳).

عبودیت که همان اظهار فروتنی و طاعت و فرمان‌برداری از حق است در

معجم قاموس قرآن به اطاعت و تذلل و تقدیس تعریف شده است. قرشی به نقل از اقرب الموارد، تقسیم دقیق و قابل توجهی از عبادت آورده است: «درباره‌ی خداوند دو جور عبادت داریم، یکی اطاعت از فرامین او و اینکه در زندگی روزمره راجع به حلال و حرام و غیره از دستورات خدا پیروی کنیم، این عبادت به معنای طاعت و فرمان برداری است ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ (الفاتحه، ۵) و دیگری تذلل است توأم با تقدیس یعنی بنده، نهایت خضوع و ذلت را در برابر حق اظهار می‌دارد و در عین حال او را از تمام نقایص پاک و به تمام کمالات دارا می‌داند. البته واژه‌ی عبد در قرآن به دو معنا استعمال شده است. یکی بنده‌ی مملوک (العبد بالعبد) و دیگری، عبد به معنای عابد و مطیع خدا در اخلاص و عبادت و اطاعت (نک: جن، ۱۹)، عبد در قرآن دارای دو جمع است: عباد، عبید (قرشی، ۱۳۷۱ ق، ج ۴، ص ۳۷۹).

واژه‌ی عباد در همه جای قرآن به معنای بنده‌ی خدا به کار رفته است اعم از مملوک و مطیع مگر آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی نور که بعضی آن را به معنای «عبید» خوانده‌اند. کلمه‌ی عبد، گاهی بر جمادات نیز اطلاق می‌شود ﴿قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ﴾ (الأعراف، ۱۲۹) یعنی: مستکبران می‌گویند: ما همگی در آن هستیم، زیرا خداوند در میان بندگان (به عدالت) حکم کرده است (قرشی، ۱۳۷۱ ق، ج ۴، ص ۲۸۱).

تهذیب اللغه نیز معنای عبادت را طاعت با خضوع ذکر کرده است و بین عبادالله یعنی بنده‌ای از بندگان خدا با عبید یعنی ممالیک فرق دانسته است (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۳۹).

در لغت‌نامه‌ی دهخدا نیز معنای عبادت به دو معنای پرستش کردن و اطاعت کردن خدا آمده است (همان، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۰۳۲).

در کتاب حدیثی مصباح الشریعه از نبی گرامی اسلام ﷺ در تعریف مفهوم عبد چنین آمده است: خدا را پرست گویا او را می بینی، حتی اگر تو او را نبینی باز او تو را می بیند. حروف عبد سه حرف: عین، باء و دال است «فالعین علمه بالله و الباء بونه عن سواه و الدال دنوه من الله تعالی بلا کیف و لا حجاب» یعنی: عین آن یعنی علم و شناخت او نسبت به خداوند، باء یعنی دوری از هرچه غیر او است، دال در کلمه‌ی عبد یعنی نزدیکی به خداوند بدون هیچ واسطه و مانعی (همان، ۱۳۹۰، ص ۸).

با تعاریف ذکر شده عبادالله به معنای بنده‌ای از بندگان خدا که همراه خضوع و تواضع با اختیار به اطاعت و فرمان برداری حق توصیف شده است. مسیر کمال به سوی حق عبودیت است و پیامبران الهی مانند حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام عبد محض خدا شده‌اند، زندگی و ممات آنان برای خدا است. چنانچه خداوند به رسول گرامی عَلَيْهِ السَّلَام نیز دستور می‌دهد ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (الأنعام، ۱۶۲) یعنی: بگو: نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است.

۴. مفهوم شناسی عبادالله از منظر قرآن کریم

دین اسلام بر اساس گنجینه‌های گرانب‌هایی مانند قرآن کریم و سنت و سیره‌ی معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام با تعریف انسان، ملاک‌هایی برای شخصیت انسان ارائه کرده است و از انسان برگزیده‌ی خداوند که در جهت هدایت و رسیدن به سعادت

بشر قدم بر می‌دارد با نام «عبادالله» یاد می‌کند. انسان، با پیروی از عبادالله می‌تواند با شناخت هستی و درک وظایف خویش در جهت تعالی خویشتن و نائل آمدن به مقام تقرب الاهی دست یابد.

از جمله تعاریف قرآن کریم درباره‌ی انسان به این موارد مهم می‌توان اشاره نمود:

الف) انسان دارای دو بعد جسم و روح یا نفس که جان نیز گفته شده است ﴿ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ (المؤمنون، ۱۴) یعنی: سپس نطفه را به صورت علقه [خون بسته]، و علقه را به صورت مضغه [چیزی شبیه گوشت جویده شده]، و مضغه را به صورت استخوان‌هایی در آوردیم؛ و بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم؛ سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است.

ب) هدفمندی آفرینش انسان: قرآن، هدف آفرینش انسان را عبودیت می‌داند ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (الذاریات، ۵۶) یعنی: من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند.

ج) جاودانگی انسان: مرگ، پایان زندگی انسان نیست. رسول گرامی ﷺ می‌فرماید: «شما برای بقا خلق شده‌اید، نه برای نابودی و فنا» (مجلسی، ۱۴۲۳، ج ۵۸، ص ۷۸).

د) اختیار و آزادی انسان: امتحان الاهی، ارسال پیامبران، معاد و جهان پس از مرگ، دلیل وجود قدرت انتخاب در انسان خواهد بود. انسان، مسئول آینده و

سرنوشت خویش است. از عوامل تربیت و رشد انسان، شناسایی وظیفه و تکلیف الهی در قبال خود، جامعه و خداوند است.

با شناخت ویژگی‌های انسان مؤمن در قرآن کریم که در سیره و روش انبیا و اولیاء الهی وجود دارد، می‌توان تصویر درست و دقیقی از عبادالله ترسیم کرد. در سوره‌ی الصافات، سلام و رحمت الهی بر انبیاء چون حضرت نوح و حضرت ابراهیم علیه السلام و ... یاد شده است ﴿سَلَامٌ عَلٰی اِبْرٰهٖمَ کَذٰلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِیْنَ اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِیْنَ﴾ (الصافات، ۱۰۹-۱۱۱) یعنی: سلام بر ابراهیم. این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. او از بندگان با ایمان ما است.

انسان‌هایی که دارای فطرت بیدار هستند برای درک حقیقت بسیار تلاش نموده و فقط دانستن، آنها را اقناع نمی‌کند بلکه فهم و درک صحیح و در نهایت قدرت تشخیص حق از باطل آنان را برای رسیدن به مقصود کمک می‌کند. جلوه‌هایی از صبر و شکیبایی، کرامت انسانی، مسئولیت و تعهد، تفکر و یاد خدا در همه‌ی حالات زندگی از شاخصه‌های عبادالله از منظر قرآن کریم بیان شده است.

۵. شاخصه‌های الگوی شخصیت عبادالله از منظر قرآن کریم

قوی‌ترین روش شناخت انسان کامل در اسلام، از وحی الهی سرچشمه گرفته است و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اولیاء الهی نمونه و الگو معرفی شده‌اند. لازم است برخی از شاخصه‌های اختصاصی عبادالله از منظر قرآن کریم بررسی شود:

۱.۵. اخلاص عبادالله در اطاعت خداوند

چنانچه در مفردات الفاظ قرآن آمده است: حقیقت اخلاص، تبری جستن از هرچه غیر از خداوند متعال است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۹۳). اما در کتاب تهذیب اللغه، در ذیل آیه‌ی شریفه‌ی ﴿إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ﴾ دو قرائت ذکر شده است. مخلصون به فتح لام یعنی المختارون، و مخلصون به کسر لام به معنای الموحدون آمده است.

در کتاب‌های لغت‌شناسی واژه‌ی مخلص در آیات شریفه‌ی ﴿مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ، عِبَادِنَا الْمُخْلِصِينَ﴾ با کسر لام از یعقوب، ابن‌کثیر و نافع ذکر شده است. به معنای «الذین اخلصوا طاعه الله تعالی» یعنی: کسانی که با اخلاص خدا را اطاعت کردند، و بقیه، به فتح لام خوانده‌اند به معنای «الذین اخلصهم الله تعالی لرسالته‌ای اختارهم» یعنی: کسانی که خداوند متعال آنان را برای رسالت خویش برگزید یعنی آنان را انتخاب نمود (حمیری، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص ۱۹۰۲).

شاید بتوان چنین برداشت نمود، بنده‌ای که از غیر خدا دوری جسته و فقط او را اطاعت می‌کند به مقامی می‌رسد که از طرف خداوند به رسالت برگزیده می‌شود.

در ذیل آیه‌ی شریفه، تعریف «عبادالله المخلصین» در تفاسیر شیعه و اهل‌تسنن دو گونه ذکر شده است:

طبری در تفسیر جامع البیان ذیل آیات شریفه ﴿وَ يَقُولُونَ أَإِنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَ صَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ إِنَّكُمْ لَذَائِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ﴾

(الصافات، ۳۶-۳۸) چنین می‌آورد: مشرکان مکه، پیامبر ﷺ را شاعر مجنون می‌خواندند، لذا آیه، عذاب الیم را جزای آنان بیان نموده است و استثناء کرده کسانی را که در روز خلقتشان آنان را برای خود برگزیده و درام‌الکتاب برایشان سعادت ثبت کرده و چون آنان اهل طاعت و ایمان هستند عذاب را نمی‌چشند. «عبادالله الذین اخلصهم یوم خلقهم لرحمته و کتب لهم السعاده فی ام‌الکتاب و انهم لا یذوقون العذاب لانهم اهل الطاعه» یعنی: بندگان خداوند کسانی هستند که خداوند در روز خلقتشان با رحمت خویش آنان را برای خود برگزید و در کتاب محفوظ برایشان سعادت ثبت کرد و آنها عذاب را نمی‌چشند، زیرا اهل طاعت الاهی هستند (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۳، ص ۳۴).

اما صاحب تفسیر مجمع‌البیان، تعریف «عبادالله المخلصین» را چنین می‌آورد: «الذین اخلصوا العباده لله و اطاعوه فی کل ما امرهم به فانهم لا یذوقون العذاب و انما ینالون الثواب» یعنی: بندگان پاک خدا که عبادت را برای خدا خالص نموده و او را در تمام اوامر اطاعت کردند پس ایشان عذاب را نمی‌چشند و از گروه عذاب شدگان جدا، بلکه به ثواب نایل می‌شوند (طبرسی، ۱۴۱۳ ق، ج ۸، ص ۶۹۰).

به نظر می‌رسد این تعاریف ناشی از اعتقادات و عقاید کلامی متفاوت آنان می‌باشد، شیعه باور دارد که خداوند انسان را مختار آفریده و انتخاب عبودیت و بندگی خدا، عامل افتخار و سجده‌ی ملائکه بر انسان شده است.

قرآن کریم در آیات بسیاری عبادالله را توصیف نموده و برای ایشان پاداش دنیوی و اخروی بسیاری وعده داده است «وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّغْلُومٌ فَوَاكُهُ وَ هُمْ مُكْرَمُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ»

(الصفات، ۳۹-۴۳) یعنی: و جز به آنچه انجام می‌دادید کیفر داده نمی‌شوید، جز بندگان مخلص خدا (که از این کیفرها برکنارند) برای آنان [بندگان مخلص] روزی معین و ویژه‌ای است، میوه‌ها (ی گوناگون پرارزش)، و آنها گرامی داشته می‌شوند.

انسانی که مطیع پروردگار خویش است، قطعاً از عذاب الاهی مصون بوده و همین عبودیت و بندگی خالص، موجب رهایی از عذاب الاهی خواهد بود. آنچه از آیه‌ی شریفه برداشت می‌شود بهره‌مندی عبادالله از رزق و روزی ویژه ممتاز الاهی است و مقام و منزلتی بلند در پیشگاه خداوند خواهند داشت، آیه‌ی شریفه انواع نعمت‌های بهشتی را نام برده است. از جمله تکیه‌زدن بر تخت‌های بهشتی که بندگان مخلص در بهشت از آن متنعم خواهند شد. این توفیق الاهی نتیجه‌ی الطاف ربوبی پروردگار به بندگان مخلص است.

قرآن کریم دو گروه از بندگان را با ویژگی «مکرمون» توصیف نموده است:

۱- ملائکه: ﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾ (الأنبياء، ۳۶) یعنی: آنها گفتند: خداوند رحمان فرزندی برای خود انتخاب کرده است، او منزّه است (از این عیب و نقص)؛ آنها [فرشتگان] بندگان شایسته اویند. هرگز در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند؛ و (پیوسته) به فرمان او عمل می‌کنند.

۲- عبادالله: آنان که ایمانشان کامل است. در سوره‌ی الصفات با مکرمون توصیف شده‌اند ﴿فَوَاكِهِ وَهُمْ مُّكْرَمُونَ﴾ (الصفات، ۴۲) یعنی: میوه‌ها (ی گوناگون پرارزش) و آنها گرامی داشته می‌شوند.

در سوره‌ی الزمر نیز خداوند، پیامبرش را در چند نوبت دعوت به توحید و اخلاص در عبادت می‌کند ﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾ (الزمر، ۱۱) یعنی: بگو: من مأمورم که خدا را پرستش کنم در حالی که دینم را برای او خالص کرده باشم.

۲.۵. تقوا در اخلاص عبادالله

صاحب مجمع البحرین، تقوا را در قرآن کریم به معنای خشیت و هیبت دانسته است و در آیه‌ی ﴿وَأْمُرُوا بِمَا أُنزِلَتْ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَٰ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ﴾ (البقره، ۴۱). تقوا را به طاعت و عبادت معنا کرده است. تقوا در قرآن عامل سعادت و رستگاری انسان معرفی و اصل تقوا به معنای خود را نگه داشتن است، ترس انسان را و می‌دارد تا خویشتن را از خطر حفظ کند بنابراین چون خوف لازمه‌ی تقواست کاربرد واژه‌ی تقوا در خوف در معنای التزامی آن خواهد بود (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۱، ص ۴۵۲).

تقوا از اوصاف عبادالله و بندگان مخلص خدا است. عبودیت خالصانه با مصون ماندن از نافرمانی خداوند، موجب نجات از عذاب الاهی در قیامت خواهد بود.

خداوند در سوره‌ی صافات، عامل نجات قوم یاس از کیفر روز رستاخیز را تقوا معرفی می‌کند ﴿إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ﴾ (الصافات، ۱۲۴) یعنی: به خاطر بیاور هنگامی را که به قومش گفت: آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟

با آنکه قومش او را تکذیب کردند اما بندگان مخلص خدا استثناء شده‌اند ﴿فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ إِلَّا عَبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ﴾ (الصافات، ۱۲۷، ۱۲۸)

یعنی: اما آنها او را تکذیب کردند؛ ولی به یقین همگی (در دادگاه عدل الهی) احضار می‌شوند. مگر بندگان مخلص خدا.

در تفسیر کاشف آمده است: تنها بندگان اخلاص مند خداوند، فراخوانی الیاس را اجابت کردند و اینان از عذاب خدا رهایی می‌یابند و از پاداش بزرگ بر خوردار می‌شوند، حضرت الیاس به قوم خود هشدار داد تا از شرک دوری کنند و به یکتا پرستی هدایت نمود، این همان اخلاص در بندگی و عبودیت است (مغنیه، ۱۳۷۸ ش، ج ۶، ص ۵۷۸).

استاد جوادی آملی در تفسیر تسنیم تقوا را چنین معنا کرده‌اند: تقوا، هم چون سپر، وسیله‌ی حفظ انسان از خطر است (در تقوا معنای حفظ است نه خوف) «فائقون» یعنی از هر چه می‌ترسید فیض خدا را سپر قرار دهید تا از خطرها مصون بمانید نه اینکه از او بترسید چون خدا منشأ رحمت برکت و لطف است ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ﴾ (التوبه، ۱۲۸) یعنی: به یقین، رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رؤوف و مهربان است.

تقوا یعنی حفظ کردن خود از هر چه انسان از آن هراسناک است نه ترس از خدا، چون خدا نور محض و جمال و جلال صرف است و هراسی ندارد. گاهی انسان از عاقبت کارهای خویش می‌ترسد از این‌رو خدا رجاء را به خود و ترس را به عاقبت کار آدمی نسبت می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۵ ش، ص ۳۸۶).

در سوره‌ی الزمر نیز تقوای پیشگی و پروای الهی موجب رهایی از آتش دوزخ

بیان شده است «لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ» (الزمر، ۱۶) یعنی: برای آنان از بالای سرشان سایبان‌هایی از آتش، و در زیر پایشان نیز سایبان‌هایی از آتش است؛ این چیزی است که خداوند با آن بندگان را می‌ترساند! ای بندگان من! از نافرمانی من پرهیزید. خداوند بندگان را می‌ترساند تا از معاصی اجتناب کنند.

وعده‌ی خداوند به بندگان که تقوا پیشه می‌کنند در سوره‌ی مریم نیز بیان شده است، بهشت الاهی با شرط تقوا ارث عبادالله خواهد بود «لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا» (مریم، ۶۲-۶۳) یعنی: در آنجا هرگز گفتار لغو و بیهوده‌ای نمی‌شنوند؛ و جز سلام در آنجا سخنی نیست؛ و هر صبح و شام، روزی آنان در بهشت مقرر است. این همان بهشتی است که به بندگان پرهیزگار خود، به ارث می‌دهیم.

علامه‌ی طباطبایی در توضیح میراث بهشتیان می‌فرماید: کلمه‌ی ارث و وراثت به معنای این است که مال یا شبه مال از شخصی به دیگری برسد بعد از آن شخص اول آن را با مردن خود و یا جلای وطن و امثال آن ترک گفته باشد و در اینجا بهشت را از این جهت ارث نامیده که بهشت در معرض آن بوده که به تمامی افراد اعطا شود چون خدا آن را به شرط ایمان و عمل صالح به همه وعده داده بود. پس اگر به متقین اختصاص یافت و دیگران به خاطر اضاعه‌ی نماز و پیروی شهوات محروم شدند، در حقیقت از اینان به آنان ارث رسیده، نظیر این عنایت در آیه‌ی «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (الانبیاء، ۱۰۵) به کار رفته و در آیه‌ی «وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ» (الزمر، ۷۴)

میان ارث و اجر جمع شده است. (همو، ۱۳۶۸ ش، ج ۱۴، ص ۱۰۶).

قرآن کریم، جنات عدن را بشارت و وعده‌ی خداوند به بندگان بیان می‌کند ﴿جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًا﴾ (مریم، ۶) یعنی: وارد باغ‌هایی جاودانی می‌شوند که خداوند رحمان بندگان را به آن وعده داده است؛ هر چند آن را ندیده‌اند؛ مسلماً وعده خدا تحقق یافتنی است. انسان در بهشت، جاویدان و ابدی است، پس متقین، که همان عبادالله هستند بهشت را به ارث می‌برند و وعده الاهی تخلف‌ناپذیر است ﴿لَنْ يُخْلَفَ اللَّهُ وَوَعْدَهُ﴾ (الحج، ۴۷) یعنی: خداوند خلف وعده نمی‌کند.

عبادالله، آراسته به صفت تقوا هم در کسب فضائل و ارزش‌های فردی و هم با توانمندی‌های اجتماعی در هدایت خلق، صاحب عظمت و شکوه وصف‌ناشدنی در زمین و در جنت الاهی قرار خواهند گرفت.

۳.۵. تفکر و تعقل عبادالله

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (آل عمران، ۱۹۰) یعنی: مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌های (روشنی) برای خردمندان است.

عبادالله، بندگان با بصیرت هستند که با مشاهده‌ی حقایق و به‌کار بستن خرد و تعقل «اولوالالباب» نام گرفتند و اینان دریافته‌اند که هستی بی‌هدف آفریده نشده است لذا دو ویژگی فطرت و خرد، عامل قرار گرفتن آنان در زمره‌ی ابرار شده است. مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین، آمد و رفت شب و روز، نشانه‌های (روشنی) برای خردمندان وجود دارد.

عبادالله، افراد متفکری هستند که با تعقل و اندیشه، قول نیک را می‌شنوند و احسن آن را بر می‌گزینند ﴿وَ الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْْبُدُوهَا وَ أَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ (الزمر، ۱۸) یعنی: و کسانی که از عبادت طاغوت پرهیز کردند و به سوی خداوند بازگشتند، بشارت از آن آنه است؛ پس بندگان مرا بشارت ده همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمندان هستند.

تفکر و اندیشیدن در آفرینش، بالاترین رتبه در عبادت است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «لیست العباده کثره الصیام و الصلوه، انما العباده کثره التفکر فی امرالله صلی الله علیه و آله» (مجلسی، ۱۴۲۳ ق، ج ۶۸، ص ۳۲۲) یعنی: عبادت، زیادی در نماز و روزه نیست بلکه عبادت تفکر بسیار در امور خداوند صلی الله علیه و آله است.

خداوند در قرآن کریم انسان را بارها دعوت به تفکر و تعقل نموده است، گاهی به طور مستقیم مانند: (آیا نمی‌اندیشید؟) و گاهی غیر مستقیم مانند: اشاره به نظم در آفرینش و آیات الاهی در گستره‌ی هستی، آفاقی و انفسی. عبادالله، افراد متفکری هستند که با تعقل و اندیشه به حقیقت توحید و یگانه‌پرستی راه یافتند.

دعوت پیام‌آوران الاهی نیز، دعوت به پذیرش حق با استدلال و منطق توأم بوده است. آنان از عبادت کورکورانه و بدون تفکر نهی نموده‌اند. در زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام پیامبر بزرگ الاهی، نمونه‌های بسیاری یافت می‌شود ﴿قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئاً وَلَا يَضُرُّكُمْ أَفَ لَكُمْ وَمَا لِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ

دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (الأنبياء، ۶۶، ۶۷) یعنی: (ابراهیم) گفت: آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که نه کمترین سودی برای شما دارد، و نه زیانی به شما می‌رساند. (نه امیدی به سودشان دارید، و نه ترسی از زیانشان) اف بر شما و بر آنچه جز خدا می‌پرستید. آیا اندیشه نمی‌کنید.

حضرت ابراهیم علیه السلام، با تدبیر حکیمانه‌ی خویش، مردم عصر خود را دعوت به تفکر نمود و پرستش غیر خدا را نشانه بی‌خردی نامید. استدلال او با پرسش و پاسخ به قوم خود، در مسیر هدایت جامعه صورت می‌گرفت و ایشان با عبارت ﴿اف لكم﴾ به صراحت بی‌منطقان را توبیخ نمود.

چنان‌چه گفته شده انسانیت انسان به عقل او است و بالاترین ارزش و کمال انسان در گروهی این موهبت الاهی است. در کتاب انسان‌شناسی اسلامی، عقل به سه دسته تقسیم شده است. عقل نظری مربوط به کشف واقعیت‌ها، عقل عملی نیز به ادراک بایدها و نبایدها و اما عقل ابزاری مربوط به معاش دنیا و تدبیر زندگی است (رنجکار و خدایاری، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۱۷).

انسان، علاوه بر فطرت از وجود عقل نیز بهره‌مند است لذا با اهمیتی که در جهان بینی اسلامی برای آن قائل است در رشد شخصیت انسان به عنوان ملاک اصلی در مقابل نفس و فطرت مورد بررسی قرار می‌گیرد (احمدی، ۱۳۸۸ ش، ص ۳۵).

عبادالله، انسان‌هایی هستند که در آنها نفس، تحت سیطره‌ی کامل عقل در آمده است و مسیر زندگی‌شان با حاکمیت عقل تعیین می‌شود. پیامبران و اولیای الاهی نمونه‌های بارز این نوع انتخاب راه هستند.

۴.۵. عبادت خالصانه عبادالله

خداوند به پیامبر ﷺ عبادت با شرط اخلاص را امر نموده است ﴿قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (الزمر، ۱۰) یعنی: بگو: ای بندگان من که ایمان آورده‌اید. از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید. برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده‌اند پاداش نیکی است و زمین خدا وسیع است، (اگر تحت فشار سران کفر بودید مهاجرت کنید) که صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می‌دارند. خداوند در آیه‌ی شریفه، اهل ایمان را به تقوی دعوت می‌کند و وعده‌ی پاداش به صابران می‌دهد.

تفسیر نمونه در ذیل آیه‌ی شریفه به یک مطلب مهم تربیتی اشاره کرده است. «هر مربی و رهبری باید در انجام دستورات مکتب خویش از همه پیش‌گام‌تر باشد. او باید اولین مؤمن به آیین خویش و کوشاترین و فداکارترین باشد تا مردم او را اسوه خود بشناسند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ ش، ج ۱۹، ص ۴۰۵).

سپس هفت ویژگی از عبادالله (تقوا، احسان، هجرت، صبر، اخلاص، تسلیم و خوف) را بر شمرده است. اما از آنجا که اخلاص در برابر شرک ویژگی خاصی دارد بار دیگر تاکید می‌کند ﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾ (الزمر، ۱۱) یعنی: بگو: من مأمورم که خدا را پرستش کنم در حالی که دینم را برای او خالص کرده باشم.

﴿قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي﴾ (الزمر، ۱۴) یعنی: تنها تو را می‌پرستم. به نظر می‌رسد تکرار واژه‌ی «قل» تأکید و دعوت به اخلاص در عبادت است.

چنانچه در آیات بعدی به نتایج زیان بار از تخلف و عصیان در برابر آن و خسران ابدی را گوشزد نموده است: «فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (الزمر، ۱۵) یعنی: شما هر چه را جز او می‌خواهید بپرستید. بگو: زیانکاران واقعی آناند که سرمایه‌ی وجود خویش و بستگان‌شان را در روز قیامت از دست داده‌اند. آگاه باشید زیان آشکار همین است.

در مناجات شعبانیه، عبادت خالصانه و درخواست‌های عارفانه‌ی حضرت علی علیه السلام نمونه‌ای از عشق ورزیدن است «الاهی هب لی کمال الانقطاع الیک و انر ابصار قلوبنا بضياء نظرها الیک» (هاشمی خویی، ۱۳۲۴ ق، ج ۱۹، ص ۲۸۰).
مقام عبودیت پیامبر صلی الله علیه و آله برجسته‌ترین مقام قرب الاهی است که موجب دریافت الطاف و امداد الاهی است. در تشهد نماز، قبل از گواهی دادن به رسالت ایشان، مقام عبودیت مطرح شده‌است و بر همه مسلمانان واجب است در شبانه‌روز ۹ بار بر ایشان درود و صلوات خویش را هدیه کنند.

۵.۵. بهره‌مندی عبادالله از پاداش دنیوی و اخروی

آیات بسیاری از قرآن کریم به پاداش دنیوی و اخروی عبادالله پرداخته‌است. با مطالعه در تاریخ پیشینیان، تنها قوم نجات‌یافته از عذاب الاهی، عبادالله بوده‌اند که خالصانه به درگاه خداوند تضرع نموده و از وی استعانت جستند. آنان مطیع پروردگارشان بوده و برگزیده‌ی خداوند قرار گرفته‌اند. خداوند در سوره‌ی الصافات به توصیف نعم و پاداش الاهی برای اعمال عبادالله مخلص پرداخته‌است.:

﴿وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ فَوَاكُهُ وَهُمْ مُكْرَمُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ لَا فِيهَا عَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عَيْنٌ كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ﴾ (الصافات، ۴۹-۳۷) یعنی: و جز به آنچه انجام می‌دادید کیفر داده نمی‌شوید، جز بندگان مخلص خدا (که از این کیفرها برکنارند) برای آنان [بندگان مخلص] روزی معین و ویژه‌ای است، میوه‌ها، و آنها گرمی داشته می‌شوند ... در باغ‌های پر نعمت بهشت؛ در حالی که بر تخت‌ها روبه‌روی یکدیگر تکیه زده‌اند، و گرداگردشان قدح‌های لبریز از شراب طهور را می‌گردانند؛ شرابی سفید و درخشنده، و لذتبخش برای نوشندگان؛ شرابی که نه در آن مایه‌ی تباهی عقل است و نه از آن مست می‌شوند. و نزد آنها همسرانی زیبا چشم است که جز به شوهران خود عشق نمی‌ورزند. گویی از (لطافت و سفیدی) همچون تخم‌مرغ‌هایی هستند که پنهان مانده.

عبادالله از رزق و روزی ویژه و ممتاز الاهی برخوردارند و عبودیت کامل حق عامل دریافت این پاداش الاهی است. انواع میوه‌ها، تخت‌های مقابل هم مخصوص بندگان مخلص خدا است، جلوه‌ای از تجلی فضل و رحمت الاهی است که در دنیا به آنان وعده داده شده بود. ایمان و عمل صالح بندگان مخلص خدا موجب دست‌یابی به پاداش و جلب الطاف الاهی است.

خداوند در قرآن کریم، سلام و رحمت بیکران خود را بر انبیای الاهی بیان کرده و عامل آن را عبودیت بر پایه‌ی ایمان و احسان بیان می‌دارد. سلام بر حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ ﴿سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ﴾ (الصافات، ۸۱-۷۹) یعنی: سلام بر نوح در میان جهانیان باد. ما

این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. چرا که او از بندگان با ایمان ما بود.

سلام بر آل یاسین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ﴿سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ
 إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ﴾ (الصافات، ۱۳۲-۱۳۰) یعنی: سلام بر آل یاسین. ما
 این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. او از بندگان مؤمن ما است.

پاداش و بشارت دیگر قرآن به عبادالله در روز جزا این است که حزن و خوفی
 بر آنان راه ندارد ﴿يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ﴾ (الزخرف، ۶۸)
 یعنی: ای بندگان من. امروز نه ترسی بر شما است و نه اندوهگین می‌شوید».

این پاداش به نفس مطمئنه‌ای است که در بهشت پروردگار و در جمع بندگان
 شایسته خدا وارد می‌شوند. هم خداوند از آنان راضی است و هم آنان از جایگاه
 خویش که نتیجه‌ی عملکرد دنیوی‌شان است، خشنود می‌باشند ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ
 الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتِي﴾
 (الفجر، ۲۷-۳۰) یعنی: تو ای روح آرام‌یافته، به سوی پروردگارت بازگرد در حالی
 که هم تراز او خشنودی و هم او از تو خشنود است، پس در سلک بندگانم درآی،
 و در بهشتم وارد شو.

در آیات شریفه خطاب به نفس مطمئنه را با دو صفت راضیه و مرضیه،
 مخصوص عبادالله ذکر کرده است. آنان دریافت‌کنندگان نعم‌الاهی در جوار
 رحمت خداوند و در بهشت مخصوص او خواهند بود.

۶.۵. شکرگذاری عبادالله در محضر حق

خداوند در قرآن از آسمان، زمین، ابرها، رعد و برق، خواب، زوجیت، حرکت
 کشتی در دریا، به آیات و نشانه‌های خود یاد می‌کند و در قبال آنان، از مردم

شکر گذار نعمت‌ها، تجلیل می‌کند ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذِنَ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسَهُمْ فِيهَا خَيْرٌ وَ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ﴾ (الفاطر، ۳۴-۳۲) یعنی: سپس این کتاب (آسمانی) را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم؛ (اما) از میان آنها عده‌ای بر خود ستم کردند، و عده‌ای میانه‌رو بودند، و گروهی به اذن خدا در نیکی‌ها (از همه) پیشی گرفتند، و این، همان فضیلت بزرگ است. (پاداش آنان) باغ‌های جاویدان بهشت است که در آن وارد می‌شوند در حالی که با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته‌اند، و لباسشان در آنجا حریر است. آنها می‌گویند: حمد (و ستایش) برای خداوندی است که اندوه را از ما برطرف ساخت؛ پروردگار ما آمرزنده و سپاس‌گزار است.

در آیه‌ی شریفه، تجلی صفت شکور، قدرشناسی خداوند متعال از بندگان و وعده‌ی بهشت به آنان بیان شده است. در تفسیر قمی ذیل آیه‌ی شریفه از عبادنا به (ائمه) تعبیر شده است، علی بن ابراهیم می‌فرماید: قال ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا﴾: هم الاثمه عليه السلام (قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۲۰۹) سپس وعده‌های الهی را می‌شمارد. مطابق این تفسیر برگزیدگان خداوند از میان عباد، ائمه‌ی معصومان عليه السلام ذکر شده‌اند. همین‌طور با توجه به آیه‌ی شریفه می‌توان آرامش و دوری از حزن در دنیا را از نعمت‌های خداوند به شما رأورد.

۷.۵. عبادالله مصون از اغواگری شیطان

خداوند در سوره‌ی صاد به نقل از سخن ابلیس آورده است: «همه‌ی بندگان را اغوا می‌کنم جز بندگان برگزیده‌ات را». عامل آخرت‌اندیشی و دوری از دنیاطلبی از عواملی هستند که رهبران الهی را از افتادن در دام شیطان در امان نگه می‌دارد. ﴿قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ. إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ﴾ (ص، ۸۳). یعنی: گفت: به عزتت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد، مگر بندگان خالص تو، از میان آنها.

مخلص (بفتح لام) به مرحله‌ی عالی گفته می‌شود که پس از مدتی جهاد با نفس حاصل شود، همان مرحله‌ای که شیطان از نفوذ و وسوسه در انسان مأیوس شده در حقیقت انسان بیمه الهی می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ ش، ج ۹، ص ۳۷۸).

در سوره‌ی الحجر نیز ویژگی عبادالله را در برابر اغوای شیطان به زیبایی ترسیم می‌کند، شیطان دنیا را با زرق و برق در نگاه بندگان زینت می‌دهد و یکایک بندگان را می‌فریبد جز بندگان مخلص را ﴿قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ. إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ﴾ (الحجر، ۳۹، ۴۰) یعنی: پروردگارا! چون مرا گمراه ساختی، من (نعمت‌های مادی را) در زمین در نظر آنها زینت می‌دهم، و همگی را گمراه خواهم ساخت، مگر بندگان مخلصت را.

این گفتار شیطان، اولاً اشاره به اغوای الهی نسبت به خودش دارد، سپس از اغوای او بر بندگان خدا سخن گفته است. استاد جوادی آملی در تفسیر تسنیم

اغوای الاهی را چنین تبیین فرموده‌اند: اغوای الاهی، اغوای کیفری است نه ابتداعی و ابزار اغواگری شیطان تزیین او است. خدای سبحان رجز خوانی شیطان درباره‌ی فرزندان آدم را نسبت به بندگان مخلص از زبان خود ابلیس استثناء می‌کند زیرا بر پایه‌ی توحید افعالی وی همانند سگ دست‌آموزی است که تنها به امر الاهی حمله می‌کند و بندگان مخلص از تیررس او در امان‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۵ ش، ص ۵۳).

خداوند می‌فرماید: من عهده‌دار حفظ راه مستقیم خویش هستم و هدایت بندگانم را ضمانت می‌کنم اما اگر خودشان از گمراهان و تبه‌کاران تبعیت کنند و راه آنان را انتخاب کنند، شیطان قدرت پیدا می‌کند بر آنان سلطه پیدا کرده و وسوسه کند.

این دیدگاه پاسخ کاملاً دقیق و منطقی به شبهات جبریون خواهد بود. در این صورت هدف از ارسال پیامبران، انزال وحی، حسابرسی روز جزا، صفات ثبوتیه عدالت و حکمت خداوند نیز اثبات می‌شود.

۸.۵. توبه و انابه عبادالله به خداوند

توبه از اوصاف مؤمنان و بندگان مخلص خدا است. یکی از مصادیق عبادالله حضرت ایوب علیه السلام است. بنده‌ی حقیقی را حضرت حق با خطاب عبد و صفت «اَوَاب» نام‌گذاری کرده است «وَ اذْکُرْ عَبْدَنَا اَيُّوبَ . اِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ اِنَّهُ اَوَابٌ» (ص، ۴۳. ۴۴) «اَوَاب» اسم مبالغه است از ماده‌ی اوب که به معنای رجوع است و منظور کثرت رجوع او به سوی پروردگارش است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۲۱۹).

کتاب تفسیر مقاتل بن سلیمان، صبر چند تن از پیامبران الهی را این‌گونه بیان می‌کند: صبر ایوب علیه السلام در اطاعت خدا، صبر ابراهیم علیه السلام زمانی که وی را در آتش افکندند. صبر اسحاق علیه السلام در زمان ذبح، صبر یعقوب علیه السلام در نابینایی وی (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، ج ۳، ص ۶۴۸)

پیامبران الهی در هنگام هجوم حوادث و ناملایمات به خدا رجوع می‌کردند، کلمه‌ی «انابه» هم به معنای رجوع است: یعنی بازگشت به سوی او، به توبه و اخلاص عمل. این کلمه از ماده‌ی «نوب» است که به معنای برگشتن پی‌درپی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۸۲۷).

توبه‌ی خالص از ویژگی‌های مؤمنان واقعی است که مغفرت خداوند، وعده‌ی بهشت الهی و نورانیت در روز قیامت را به دنبال خواهد داشت.

مقام عبودیت انبیاء از رسالت بالاتر است، چنان‌چه در تشهد نماز مسلمانان، ابتدا گواهی به مقام عبد بودن حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم سپس گواهی به مقام رسالت ایشان داده می‌شود، در آیات شریفه‌ی سوره‌ی مریم نیز بعد از نقل داستان تولد ایشان آمده است «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا» (مریم، ۳۰) یعنی: گفت: من بنده‌ی خدایم؛ او کتاب (آسمانی) به من داد؛ و مرا پیامبر قرار داده است». ابتدا به مقام عبد بودن حضرت عیسی علیه السلام اشاره شده سپس ایشان به مقام نبوت مفتخر شده‌اند.

۹.۵. کسب فضایل اخلاقی توسط عبادالله

خداوند در سوره‌ی فرقان ویژگی‌های فردی و اجتماعی عبادالله را به تفصیل بیان می‌کند. در سوره‌ی فرقان ۵ بار واژه‌ی رحمان آمده است. رحمان از اسامی

خداوند است و جز خداوند با آن توصیف نمی‌شود و ۱۶۹ بار در قرآن ذکر شده است که ۱۱۳ بار در آغاز سوره‌ها است و ۵۶ بار در متن آیات شریفه به کار رفته است.

تفسیر قمی ذیل آیه‌ی شریفه از امام باقر علیه السلام روایتی نقل می‌کند که منظور از عباد الرحمن، ائمه علیهم السلام هستند: «عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله ﴿عباد الرحمن الذین ...﴾ قال: الائمه» (علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۱۱۶). یعنی: از امام باقر علیه السلام در باره‌ی آیه‌ی ﴿عباد الرحمن الذین ...﴾ آمده است: فرمودند: ائمه هستند.

خداوند در این سوره ۸ بار با آوردن عبارت ﴿الذین﴾ به توصیف جنبه‌های اخلاقی، فردی و اجتماعی عباد الرحمن اشاره کرده است؛ خداوند در این سوره ۸ بار با آوردن عبارت ﴿الذین﴾ به توصیف جنبه‌های اخلاقی فردی و اجتماعی عباد الرحمن اشاره کرده است:

الف) ﴿وَالَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ (فرقان، ۶۳) یعنی: بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند، به آنها سلام می‌گویند.

ب) ﴿وَالَّذِينَ يَبِيئُونَ لِرِيبِهِمْ سُجْدًا وَ قِيَامًا﴾ (فرقان، ۶۴) یعنی: کسانی که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می‌کنند.

ج) ﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا؛ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا﴾ (الزمر، ۶۵ و ۶۶) یعنی: و کسانی که می‌گویند: پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان، که عذابش سخت و پردوام است. مسلماً آن

(جهنم)، بد جایگاه و بد محل اقامتی است.

(د) ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ (فرقان، ۶۷) یعنی: و کسانی که هر گاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند.

(ذ) ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا؛ يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا؛ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا﴾ (فرقان، ۶۹-۷۱) یعنی: و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی‌خوانند؛ و انسانی را که خداوند خورش را حرام شمرده، جز به حق نمی‌کشند؛ و زنا نمی‌کنند؛ و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید. عذاب او در قیامت مضاعف می‌گردد، و همیشه با خواری در آن خواهد ماند. مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل می‌کند؛ و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است. و کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد، بسوی خدا بازگشت می‌کند (و پاداش خود را از او می‌گیرد).

(ه) ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾ (فرقان، ۷۲) یعنی: و کسانی که شهادت به باطل نمی‌دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی‌کنند)؛ و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می‌گذرند.

(و) ﴿وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا﴾ (فرقان، ۷۳)

یعنی: و کسانی که هر گاه آیات پروردگارشان به آنان گوشزد شود، کرو کورروی آن نمی‌افتند.

ی) ﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ (فرقان، ۷۴) یعنی: و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه‌ی روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان.

رفتار متواضعانه، شب زنده داری، مناجات با خداوند، میانه‌روی در انفاق، رفتارهای اجتماعی صحیح، اهمیت دادن به خانواده و درخواست مقام امامت در آیه تأکید شده است.

قرآن کریم بارها، اهل بیت رسول الله ﷺ را در انجام اعمال نیک تحسین نموده است. ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا؛ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا﴾ (الإنسان، ۸ و ۹) یعنی: و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند. ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم. با استناد به آیه‌ی شریفه، مصداق کسب رضایت خداوند بدون انتظار پاداش از ویژگی‌های حضرت علی عليه السلام و خاندان مطهرشان عليهم السلام می‌باشد.

تأسی به رسول خدا صلى الله عليه وآله درس زندگی در زمینه‌ی اخلاق فردی و اجتماعی، نه تنها برای مسلمانان بلکه برای همه‌ی آزادگان جهان خواهد داشت.

۱۰۵. احسان و نیکو کاری عبادالله

خداوند انجام افعال خیر را تحت دو عنوان عدل و احسان به انسان امر می‌کند ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ (النحل، ۹۰) یعنی: خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد. احسان نیز دو مفهوم دارد گاهی به معنای بخشش به دیگران است و گاهی به معنای عام آن یعنی انجام هر کار نیک را شامل می‌شود.

تشویق خداوند به نیکوکار بودن و قرار گرفتن در زمره‌ی محسنین در قرآن کریم بارها ذکر شده است و از شرایط واقع شدن در زمره‌ی عبادالله، احسان و نیکوکاری است و توأم شدن با ایمان باعث جلب رحمت الاهی خواهد بود. پیامبران اولوالعزم حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی علیهم‌السلام با صفت احسان توصیف شده‌اند ﴿سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ (الصافات، ۷۹، ۸۰) یعنی: سلام بر نوح در میان جهانیان باد، ما این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. ﴿سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ﴾ (الصافات، ۱۲۰-۱۲۲) یعنی: سلام بر موسی و هارون. ما این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. آن دو از بندگان مؤمن ما بودند. قرآن پیامبرانی را مانند حضرت موسی و حضرت هارون علیهم‌السلام که در مقابل با طاغوت و استکبار فرعونی مقاومت کرده و در برابر خرافه و جهل مبارزه نموده‌اند، با سه صفت احسان، عبادت و ایمان به زیباترین وجه تکریم نموده است.

۶. نتیجه

خداوند، همه‌ی موجودات را در هدایت تکوینی بر اساس فطرت، غریزه و عقل برای رسیدن به کمال، هدایت می‌کند. «عبادالله» برای کسب کمال با ابتلا به بلايا و فتنه‌ها مورد امتحان قرار گرفته و با صبر، ایمان و عمل صالح رضایت حق را جلب می‌کند.

خداوند در قرآن کریم انبیاء و اولیاء الاهی را «عبادالله» معرفی کرده است و شاخصه‌هایی برای انتخاب بندگان خالص خود از جمله اخلاص، صبر و ... تبیین می‌نماید. هر انسانی روزانه در نماز با دعای «اهدنا الصراط المستقیم» راه عبادالله را از خداوند طلب می‌کند. شناخت شاخصه‌های قرآنی عبادالله در عصر غیبت امام و آخرین حجت خداوند ضروری است تا انسان بتواند با الگو سازی و عبرت از تاریخ پیشینیان، قدرت تشخیص حق از باطل را به درستی پیدا نموده و به صراط مستقیم هدایت شود و از گمراهی و ضلالت نجات یابد «اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین أنعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین» در این صورت دین حق با ظهور امام عصر علیه السلام در سراسر عالم فراگیر خواهد شد و عدالت جهانی گسترش می‌یابد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم: چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار صادر، بیروت: ۱۴۱۴ ق.
۳. ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، دار احیاء التراث العربی، بیروت:

- ۱۴۲۱ ق.
۴. احمدی، علی اصغر، *روان‌شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی*، انتشارات امیرکبیر، تهران: ۱۳۸۸ ش.
۵. بحرانی، هاشم بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، محقق: بنیاد بعثت، مؤسسه البعثه، قسم الدراسات الاسلامیه، قم: ۱۴۱۵ ق.
۶. جوادی آملی، عبد الله، *تفسیر تسنیم*، تحقیق: حسین اشرفی و همکاران، قم: نشر اس‌را، ۱۳۹۵ ش.
۷. حمیری، نشوان سعید، *شمس العلوم و دواء کلام العرب*، محقق: مطهر بن علی آریانی، دارالفکر، دمشق: ۱۴۲۰ ق.
۸. حویزی، عبد علی بن جمعه، *نور الثقلین*، اسماعیلیان، قم: ۱۴۱۵ ق.
۹. دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه*، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران: ۱۳۷۷ ش.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ قرآن*، محقق: داوودی، صفوان عدنان، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. رنجکار، رضا و خدایاری، علی نقی، *انسان‌شناسی اسلامی*، دفتر نشر معارف، تهران: ۱۳۹۳ ش.
۱۲. سیدرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، ترجمه: محمد دشتی، به نشر آستان قدس رضوی، مشهد: چاپ سوم، ۱۳۸۲ ش.
۱۳. سیوطی، جلال‌الدین، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، ناشر کتاب‌خانه عمومی آیة الله مرعشی، قم: ۱۴۰۴ ق.
۱۴. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن*، انتشار فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۴۰۶ ق.

۱۵. طباطبائی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، اسلامی، قم: ۱۳۶۸ ش.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، مترجم: حسین نوری همدانی، موسسه نشر اسلامی، قم: ۱۴۱۳ ق.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، *جامع‌البیان فی تفسیر القرآن*، دارالمعرفه، لبنان: ۱۴۱۲ ق.
۱۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع‌البحرین و مطلع‌النیرین*، محقق: احمد حسینی اشکوری، نشر مرتضوی، تهران: ۱۳۷۵ ش.
۱۹. العیاشی، محمد بن مسعود، *التفسیر*، محقق: هاشم رسولی، مکتب العلمیه الاسلامیه، تهران: ۱۳۸۰ ق.
۲۰. قرشی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، دارالکتاب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۱ ش.
۲۱. قمی، علی بن ابراهیم، *التفسیر*، مصحح: موسوی جزایری، دارالکتاب الاسلامیه، قم: ۱۴۰۴ ق.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم‌السلام*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۲۳ ق.
۲۳. مطهری، مرتضی، *اسلام و نیازهای زمان*، انتشارات صدرا، تهران: ۱۳۸۲ ش.
۲۴. همو، *مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (انسان در قرآن)*، انتشارات صدرا، قم: ۱۳۶۶ ش.
۲۵. معین، محمد، *فرهنگ فارسی معین*، انتشارات امیر کبیر، تهران: ۱۳۸۰ ش.
۲۶. مغنیه، محمد جواد، *تفسیر کاشف*، مترجم: موسی دانش، بوستان قم، قم: ۱۳۷۸ ش.

۲۷. مقاتل بن سلیمان، *التفسیر*، محقق: شماته، دار احیاء التراث العربی، لبنان: ۱۴۲۳ ق.

۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ ش.

۲۹. منسوب به جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، *مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة*، مترجم: حسن مصطفوی، ناشر انجمن اسلامی حکمت و فلسفه اسلامی ایران، تهران: ۱۳۶۰ ش.

۳۰. هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة*، مترجم: حسن، حسن‌زاده آملی، مکتبه الاسلامیه، تهران: ۱۳۲۴ ق.